

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خدا

کیمیای نظر

مؤلف:

یاسر آقائی مرزنگو

انتشارات ارسطو

(سازمان چاپ و نشر ایران - ۱۴۰۴)

نسخه الکترونیکی این اثر در سایت سازمان چاپ و نشر ایران و اپلیکیشن کتاب رسان موجود می باشد

chaponashr.ir

سرشناسه: آقائی مرزنگو، یاسر، ۱۳۶۶
عنوان و نام پدیدآور: کیمیای نظر/مولف یاسر آقائی مرزنگو.
مشخصات نشر: انتشارات ارسطو (سازمان چاپ و نشر ایران)، ۱۴۰۴.
مشخصات ظاهری: ۱۱۱ ص.
شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۴۵۵-۰۷۴-۳
وضعیت فهرست نویسی: فیپا
یادداشت: کتابنامه.
رده بندی کنگره: HF۵۴۱۸
رده بندی دیویی: ۶۵۸/۸۷۵
شماره کتابشناسی ملی: ۹۸۲۴۴۶۸
اطلاعات رکورد کتابشناسی: فیپا

نام کتاب: کیمیای نظر
مولف: یاسر آقائی مرزنگو
ناشر: انتشارات ارسطو (سازمان چاپ و نشر ایران)
صفحه آرای، تنظیم و طرح جلد: پروانه مهاجر
تیراژ: ۱۰۰۰ جلد
نوبت چاپ: اول - ۱۴۰۴
چاپ: زبرجد
قیمت: ۱۱۱۰۰۰ تومان
فروش نسخه الکترونیکی - کتاب رسان:
<https://chaponashr.ir/ketabresan>
شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۴۵۵-۰۷۴-۳
تلفن مرکز بخش: ۰۹۱۲۰۲۳۹۲۵۵
www.chaponashr.ir



انتشارات ارسطو



تقدیر نامه

نویسنده محترم و ارجمند جناب آقای یاسر آقایی زید توفیق

ادای سپاس نعمت های الهی، به کارگیری آنهاد میررضای خداست. فکر و قلم نیز نعمتی است که بجاست در راه
بین حقایق دین و نشر معارف اهل بیت (ع) و انتقال فرهنگ قرآن و عترت به نسل حاضر به کار گرفته شود.
برگزاری «هم اندیشی زیارت» فرصتی بود تا شاهد شکوفایی و نوآوری قلم ها و نویسندگانی باشیم که صادقانه توان خویش را در
خدمت این فرهنگ و آموزه های تربیتی آن قرار داده و جامعه اسلامی را از برکات اندیشه خود بهره مند ساخته و قدمی دیگر در
راه غنا، نجی به میراث مکتوب شیعه برداشته اند. سعی آنان مسکور و توفیقاتشان مستدام.
بدینوسیله از شما نویسنده ارجمند که بار اول مقاله در این هایش شرکت کردید، صمیمانه تقدیر می شود.
امید است پیروان مکتب اهل بیت، پیوسته از رشحات قلبی امثال شما بهره مند باشند و اینگونه تلاش های علمی و فرهنگی،
گامی در مسیر تعالی نیش و بصیرت معرفت جویمان به شمار آید.
با دعا و آرزوی توفیق بیشتر

معاون آموزش و پژوهش

بعثه مقام معظم رهبری

فهرست

۹.....	مقدمه
۱۱.....	مفاهیم و متغیرها
۱۳.....	اذن دخول
۱۳.....	حکایت علی بن یقطين و ابراهيم جمال
۱۸.....	جایگاه مزور در اندیشه دینی
۲۹.....	واسطه فیض
۳۱.....	آداب و شرایط بهره مندی از زیارت
۳۲.....	آداب و شرایط باطنی
۳۲.....	زیارت حج و ادب باطنی
۳۴.....	معرفت و شناخت
۴۱.....	اخلاص
۴۲.....	حضور قلب
۴۲.....	شوق و اشتیاق باطنی
۴۳.....	رعایت ادب
۵۲.....	شهر پیامبر
۵۶.....	مزارهای مدینه
۶۸.....	راز قداست آثار
۶۹.....	سیره سلف صالح
۷۲.....	زائر دیار یار
۷۸.....	حج زنده و سازنده

۸۳	حق شهدای آل محمد
۹۰	علامه امینی
۹۲	امام خمینی (ره)
۹۳	علامه طباطبائی
۹۴	میرزای شیرازی
۹۶	خویشاوندی معنوی و فرهنگی
۹۹	توجه به خدا
۱۰۱	تقرب به خدا
۱۰۳	تحول روحی
۱۰۷	کلام آخر
۱۰۹	منابع:

مقدمه

در دین مبین اسلام، مسئله زیارت اولیای خدا و اهل قبور، به ویژه زیارت مشاهد و مرقد های مطهر اهل بیت، از اهمیت فوق العاده ای برخوردار است؛ برای نمونه روایات پرشماری درباره استحباب زیارت پیامبر(ص) نقل شده است که در حد تواتر و مورد توافق شیعه و سنی است.^۱ با استناد به همین روایات، مسلمانان از صدر اسلام به زیارت مسجد و مرقد مطهر ایشان می رفتند و به دعا و مناجات و نماز می پرداختند و به آنان توسل می جستند. زیارت در فرهنگ شیعی اهمیت بیشتری دارد و از مناسک خاص و از نشانه های فرهنگی و شاخصه های عرفان مبتنی بر معارف اهل بیت است. شیعیان افزون بر زیارت رسول خدا(ص) اهتمام ویژه ای به زیارت اهل بیت داشته^۲. و زیارت آنان از آیین های مهم شیعی به شمار می آید.

از منظر شیعه، هر امامی حقی بر عهده شیعیان دارد که با زیارت قبور آنان این وظیفه و عهد تمام می شود؛ چنان که امام رضا(ع) زیارت قبور و مشاهد مشرفه اهل بیت: را عهدی بر گردن دوستان و شیعیان خود می داند که وفای کامل به آن موجب بهره مندی از شفاعت آنان در قیامت می شود.

إِنَّ لِكُلِّ إِمَامٍ عَهْدًا فِي عُنُقِ أَوْلِيَائِهِ وَ شِيعَتِهِ، وَإِنَّ مِنْ تَمَامِ الْوَفَاءِ بِالْعَهْدِ وَ حُسْنِ الْأَدَاءِ زِيَارَةَ قُبُورِهِمْ، فَمَنْ زَارَهُمْ رَغْبَةً فِي زِيَارَتِهِمْ وَ تَصَدِيقًا بِمَا رَغِبُوا فِيهِ كَانَ أُثْمَتُهُمْ شَفَعَاءَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ^۳.

هر امامی به گردن دوستان و شیعیان خود عهد و پیمانی دارد که وفای کامل به این عهد و به جای آوردن نیکی آن زیارت قبور مطهر آنان است. پس کسانی که با میل و رغبت و

۱. (امینی، ۱۴۱۶ق، ج ۵، ص ۱۴۲-۱۶۵).

۲. (همان، ص ۱۳۳).

۳. (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۴، ص ۵۶۷؛ ابن قولویه، ۱۴۱۷ق، ص ۲۳۷؛ صدوق، ۱۳۸۶ق، ج ۲، ص ۴۵۹).

علاقه به زیارت ایشان و باور داشتن به آنچه که آنان بدان گرایش داشتند زیارتشان کند روز قیامت امامان آنها شفیعشان خواهند بود.

این موضوع در فرهنگ اسلامی پیشینه ای طولانی دارد و از صدر اسلام تا کنون میان مسلمانان مرسوم بوده است. خداوند در آیه ۸۴ سوره توبه به پیامبر فرمان می دهد که بر هیچ یک از مردگان منافقان نماز نگزارد و کنار قبر آنان برای آمرزش و طلب مغفرت به دعا نایستد: (وَلَا تُصَلِّ عَلَىٰ أَحَدٍ مِّنْهُمْ مَّتَّ أَبَدًا وَلَا تَقُمْ عَلَىٰ قَبْرِهِ إِنَّهُمْ كَفَرُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَمَاتُوا وَهُمْ فَاسِقُونَ). برخی مفسران این آیه را دلیلی بر آن دانسته اند که ایستادن به دعا بر سر قبر عبادت مشروعی است؛ وگرنه خداوند آن را برای کافران ممنوع نمی کرد!

از سوی دیگر چنانکه گفته شد، شیعه و سنی بر استحباب زیارت پیامبر(ص) اتفاق نظر دارند. حتی بر اساس روایتی کسی که حج به جا آورد و عمداً زیارت رسول خدا را ترک کند بر ایشان جفا کرده و صحت اعمال او در گرو زیارت پیامبر(ص) است!

در روایتی از خود پیامبر نیز آمده است که فرمود: «هر کس نزد قبرم بر من سلام کند سلامش را می شنوم و هر کس از دور مرا زیارت کند سلام و رحمت و برکات خداوند را به او ابلاغ می کنم.»^۳ نیز می فرماید: «کسی که من یا یکی از فرزندانم را زیارت کند روز قیامت به زیارت او خواهم رفت و از هراس ها و وحشت ها نجاتش خواهم داد»^۴.

در سیره عملی پیامبر(ص) و اهل بیت: نیز نمونه های فراوانی از زیارت قبور مردگان وجود دارد. از آن جمله طبق نقل شیعه و سنی رسول خدا(ص) در راه بازگشت از فتح مکه به زیارت قبر مادرش، آمنه، رفت و بر مزار او گریه کرد و در پاسخ به اصحاب درباره چرایی

۱. (طبرسی، ۱۳۷۲ش، ج ۵، ص ۸۷).

۲. (مفید، ۱۴۱۴ق، ص ۱۳۰).

۳. (همان، ص ۱۳۰؛ مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۱۰، ص ۴۴۱).

۴. (حر عاملی، ۱۴۱۴ق، ج ۱۴، کتاب الحج، ص ۳۳۲، ح ۲۳).

گریه بر آن مزار فرمود: «این قبر مادر من است. از خداوند زیارت او را خواسته بودم و او به من اجازه فرمود!»^۱

افزون بر آن، ایشان در زمان حیات خود مردم را به زیارت قبر حمزه و شهدای احد فرمان می داد. پس از رحلت ایشان نیز فاطمه(س)دائم به زیارت ایشان می رفت و بر سر مزارش ندبه می کرد.^۲

مفاهیم و متغیرها

زیارت: «زیارت» از ریشه «ز . و . ر» در اصل به معنای تمایل و عدول است.^۳ اتخاذ کلمه «زائر» از این ریشه نیز بدان جهت است که وقتی انسان به زیارت فردی می رود در حقیقت به سوی او میل پیدا کرده و از دیگران عدول کرده است، همچنین برخی بر آن اند که اطلاق زیارت بر ملاقات اولیا و بزرگان بدان جهت است که این عمل انحراف از جریان مادی و عدول از عالم طبیعی و توجه به عالم روحانی و معنوی در عین حفظ جسمانیت است. برخی لغت پژوهان به قسمت بالای سینه «زور» گفته^۴. و از این باب زیارت را به معنای ملاقات رودررو و سینه به سینه یا در اصطلاح همان چهره به چهره دانسته اند.

زیارت در اصطلاح به معنای راهیابی و حضور زائر نزد مزور است: «الزیرة عبارة عن حضور الزائر لدى المزور»^۵. این معنا اعم از حضور قلبی و جسمی است و ارتباط قلبی زائر با مزور را نیز شامل می شود؛ چنانکه برخی زیارت را به معنای حرکت قلبی و جسمی به سوی مزور در جهت بزرگداشت مقام او و انس و الفت با او دانسته اند.^۶ در کاربرد روایات

۱. (مفید، ۱۴۱۴ق، ص ۱۳۱؛ مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۱۵، ص ۱۶۲؛ ابن ابی شیبہ، ۱۴۰۹ق، ج ۳، ص ۲۲۴؛ ابن سعد، بی تا، ج ۱، ص ۱۱۷).

۲. (مفید، ۱۴۱۴ق، ص ۱۳۱؛ مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۱۰، ص ۴۴۱).

۳. (ابن فارس، ۱۴۰۴ق، ج ۳، ص ۳۶؛ مصطفوی، ۱۴۱۷ق، ج ۴، ص ۳۶۴).

۴. (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۳۸۶؛ ابن منظور، ۱۴۰۵ق، ج ۴، ص ۳۳۳).

۵. (سیحانی، بحوث فی الملل و النحل، ج ۴، ص ۲۶۱؛ همو، ۱۴۲۵ق، ج ۲، ص ۲۵۴).

۶. (طریحی، ۱۳۷۵ش، ج ۳، ص ۳۲۰؛ فیومی، بی تا، ج ۱، ص ۲۶۰).

نیز زیارت عبارت است از حضور در پیشگاه معصومان: و اولیای الهی و مؤمنان و عالمان دینی یا حضور نزد قبر آنان یا دیدار از مکانی مقدس مانند بیت الله الحرام برای اظهار ارادت و کسب فیض معنوی.

شرایط زیارت: شرایط زیارت در حقیقت مؤلفه‌ها و مشخصه‌هایی است که معیار ارزش سنجی زیارت قرار می‌گیرد. بهره‌مندی حداکثری از آثار زیارت نیازمند آداب و مراقبت‌های ویژه‌ای است که زائر به واسطه آنها با مزور انس می‌گیرد و ارتباط معنوی برقرار می‌کند. به این آداب و مراقبت‌ها شرایط زیارت می‌گویند.

آداب زیارت، مجموعه‌ای از رفتارها و گفتارهای شایسته است که در باب زیارت معصومین (علیهم‌السلام) در منابع روایی و حدیثی بیان شده است. داشتن وضو و غسل زیارت، لباس پاکیزه پوشیدن، حضور قلب، ترک سخن بیهوده و لغو، اذن دخول و تسبیح خدا و صلوات بر پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) و اهل بیت (علیهم‌السلام) از جمله آداب مشترک زیارت معصومین (علیهم‌السلام) است.

از مطالعه باب عبادات در فقه اسلام این نتیجه کلی عاید می‌شود که در این آیین حنیف نخست طهارت است و بعد عبادت. این طهارت، بعد از پاک بودن بدن از نجاسات با وضو و غسل حاصل می‌شود. از آنجا که اعمال ظاهری اثری خاص در روح انسان دارد، این شستشو و طهارت ظاهر که به قصد قربت انجام می‌گیرد، علاوه بر نظافت صوری و پاک شدن از بوی ناخوش بدن، در ایجاد طهارت باطن و صفای دل نیز مؤثر خواهد بود، و آمادگی روانی لازم برای دیدار شخصیت‌های مقدس و کسب فیض از حضورشان را به انسان می‌بخشد وجود چنین فوایدی است که وضو گرفتن و غسل زیارت کردن را جزء آداب مقدماتی زیارت گردانده است.

رابطه زائر و مزور: با توجه به آنچه در تعریف زیارت گذشت، رابطه زائر و مزور در حقیقت همان میل قلبی و درونی زائر یا به عبارتی انگیزه زیارت است. این انگیزه یا به صورت حضور معنوی زائر است، هرچند زیارت به صورت حضور جسمانی و فیزیکی ممکن نباشد یا مستلزم آزار دیگران یا انجام فعل حرام (مانند لمس نامحرم) باشد. بر اساس روایات یکی

از دعاها هنگام ورود به مسجد این است که خداوند بخواهد انسان را زائران خود قرار دهد: «... وَ اجْعَلْنِي مِنْ زُوَّارِكِ»^۱. طبیعی است چنین زیارتی زیارت حضوری و ارتباط رودررو و فیزیکی یا زیارت مکانی خاص نیست، بلکه مقصود توجه قلبی و باطنی به خداوند و رویگردانی از غیر خداست؛ بدین معنا که خدایا قلب مرا متوجه خود گردان و از غیر خود بازگردان. از سوی دیگر رابطه زائر با مزور می تواند به صورت حضور جسمانی و فیزیکی - چه در زمان حیات مزور و چه پس از مرگ کنار مزار او - باشد.

در ادبیات دینی نیز هرچند زیارت (که وظیفه شیعه دانسته شده است) غالباً به معنای حضور در حرم مطهر امامان معصوم است، با ارتباط معنوی با اولیای الهی و حجت خداوند (مانند زیارت عاشورا و زیارت آل یاسین) نیز حاصل می شود.

اذن دخول

چون به حرم و آستان رسول خدا (صلی الله علیه و آله وسلم) یا امام رسید بایستد و اذن دخول بخواند، یعنی اجازه ورود طلبد، چنان که خداوند می فرماید: «ای کسانی که ایمان آورده‌اید به خانه‌های پیغمبر داخل مشوید مگر آن که به شما اجازه داده شود»^۲ شایسته است زائر معنی اذن دخول را بداند، و بتواند با فهم آن، مقامات روحانی و عظمت معنوی حجت‌های الهی را که حاضر و ناظر حالات او هستند به خاطر آورد، و خود را خطاکار و مقصر در ادای وظایف شمرد، به خصوص وظایف اجتماعی و رسیدگی به احوال شیعیان.

حکایت علی بن یقطين و ابراهیم جمال

برای آگاه شدن از شرایط اصلی پذیرش امام و اجازه ورود دادن مناسب است نقل حکایت ذیل: (محدث قمی نیز حکایت را در چنین موضعی جزء آداب زیارت نقل کرده)، علی بن یقطين از شیعیانی بود که حضرت موسی بن جعفر (علیه السلام) به او فرموده بودند در دستگاه حکومت هارون الرشید باشد و به کارگشایی شیعیان و دفع ستم از آنان بپردازد.

۱. (طوسی، بی تا، ج ۱، ص ۳۲).

یک روز ابراهیم جَمّال (شتربان) که از شیعیان بود خواست نزدش برود چون هم‌شان او نبود نتوانست در مجلس علی بن یقطین راه یابد و عرض حال کند.

از قضا همان سال علی بن یقطین قصد زیارت مکه معظمه کرد، در مدینه خواست خدمت حضرت موسی بن جعفر (علیه‌السلام) برسد، اما بر خلاف انتظارش امام به او اجازه ورود نداد. روز دیگر علی در بیرون خانه حضرت را ملاقات کرد، و از تقصیری که موجب شده اذن دخول نیابد جوپا شد. موسی بن جعفر (علیه‌السلام) پاسخ داد: به این علت که برادرت ابراهیم جَمّال را به مجلس راه ندادی، حق تعالی سعی تو را قبول نمی‌فرماید مگر پس از آن که ابراهیم تو را عفو کند و خشنود گردد! آن حاکم مؤمن و معتقد به عترت پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) گفت: ای سرور و مولای من ابراهیم را چگونه ملاقات کنم، در صورتی که من در مدینه‌ام و او در کوفه؟

امام فرمود: چون شب فرا رسد، بدون این که اصحاب و غلامان بفهمنند به بقیع برو. در آنجا شتری آماده خواهی دید، شتر را سوار شو و به کوفه برو. علی بن یقطین فرمان امام را پذیرفت، و شب هنگام به بقیع رفت و شتر را دیده سوار شد و روانه کوفه گشت، و زودتر از زمان معمول در خانه ابراهیم جَمّال رسید و در را کوبید. ابراهیم جوپای نام مراجعه کننده شد. گفت: علی بن یقطینم. ابراهیم با شگفتی گفت: علی بن یقطین بر در خانه من چه می‌کند؟ او کجا و من کجا! علی گفت: بیرون بیا که من مشکلی بزرگ دارم، و او را قسم داد که اذن دخول بدهد چون داخل شد گفت: ای ابراهیم! امام و مولایم مرا نمی‌پذیرد، مگر آن که تو مرا ببخشی.

ابراهیم پاسخ داد: عَفَرَ اللهُ لک. خدایت بیامرزد. اما علی بن یقطین - که رضای امام را طالب بود و کفّاره خودبزرگ‌بینی را می‌خواست ادا کند - قانع نشد و صورت بر خاک گذاشت و از ابراهیم خواست که پای روی صورتش بگذارد و گونه‌هایش را پایمال کند. ابراهیم خودداری کرد و ادب نمود. اما علی او را سوگند داد، و مصرّانه خواست که چنین کند. ابراهیم ناگزیر پا بر صورت آن دولت‌مرد مؤمن متعهد گذاشت و به گونه‌هایش مالید، و علی می‌گفت: اللهمّ اشهد! بار خدایا گواه باش...

علی بن یقطين چون به این کیفیت شتربان را از خود خشنود گرداند، و طاغوت نفس را لگدمال و ذلیل کرد، از خانه ابراهیم بیرون آمد و با همان وسیله به مدینه بازگشت. یک سر بر در خانه امام هفتم رفت و اذن دخول طلبید. اجازه یافت و وارد شد و مورد عنایت حجت خدا قرار گرفت. و این است اهمیت حقوق برادران مؤمن در اسلام و چگونگی ادای آن. و این است راه ورود به خانه‌های مبارک ائمه معصومین (علیهم‌السلام) و پذیرفته شدن زائر در نزد امام.

«محبت»، پشتوانه «زیارت»

آنکه عشق و شوق داشته باشد، به زیارت هم می رود.

برای عاشق شایق، نه تنها خود محبوب، جالب و جاذب است، بلکه هر چیزی هم که به گونه ای رنگ تعلق و رایحه انتساب به او را داشته باشد، مطلوب و جاذبه دار است و دلداده را به سوی خود می کشد.

در زیارت چنین است.

چگونه می شود که عاشق خدا و دوستدار پیامبر و اهل بیت، و محب صالحین و صدیقین و شهدا و اولیاء الله، شوق دیدار خانه خدا و بیت الله و مزار و مرقد و خانه و شهر و دیار معشوق را نداشته باشد و شیفته دیدار کعبه و مدینه و مزار ائمه و قبور صالحین و شهرهای خاطره آمیز و شوق انگیزی که ریشه در فرهنگ دینی ما دارد نباشد؟!

به گفته مرحوم علامه امینی:

«اگر مدینه منوره، حرم محترم الهی شمرده شده و در سنت نبوی، برای مدینه و خاکش و اهلش و مدفونین آنجا ارزشهای فراوان بیان شده است، به خاطر همان انتساب به خدا و پیامبر است. و بر مبنای همین اصل، هر چیز دیگری هم که نوعی تعلق و انتساب به